

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۹ مارچ ۲۰۱۹

مسئول فاجعه اخیر ایران، چه کسی است؟

نگاه به تصاویر مخابره شده سیل در استان‌های متفاوت کشور از جمله مازندران و گلستان، لرستان و سرپل ذهاب، شیراز و دیگر شهرهای ایران، دردآور و غم انگیز است. همواره لبه تیز دشواری‌های زندگی، نصیب محروم‌ترین اقشار و طبقه جامعه است. چهل سال آژگار سران رژیم جمهوری اسلامی مملکت را به باد داده اند و کمترین تدارکی برای مقابله با حوادثی همچون سیل، باد و باران و آتش سوزی ندیده اند. بعضاً از آنان ادعا می‌کنند که سیل و دیگر حوادث طبیعی، کار "خدا"ست و نصیب بندگان خواهد شد که توجهی به "دین و ایمان" و "آخرت" ندارند. و در ادامه بر این باورند که مگر می‌شود در برابر حوادث "ارسال"ی "خداوندگان" داوم آورد و در "جهنم" را به سوی "کافران" و "بی دینان" بست!!

مبلغان و مروجان جهل و تاریک اندیشی، از دیر باز و به منظور حفظ و حراست از مناسبات عقب‌مانده، این‌چنین اندیشیده اند و این‌گونه به خورد مردم و جامعه داده اند که افکار بشری، امکانات، علم و تکنیک، قادر به جلوگیری از حوادث و رخدادهایی همچون سیل و طوفان، باد و باران نیست! "درست" می‌گویند، به این علت که نمی‌شود - و در حقیقت نمی‌توان - جلوی خرابه ها و سدهای از کار افتاده و فرسوده را، در برابر باران و بارندگی کم دامنه گرفت؛ نمی‌شود - و درست هم نیست - به کار "خداوند"گان دست بُرد و مردم را آگاه کرد؛ درست می‌گویند به این دلیل که توجه به موارد طبیعی خانه خراب‌کن، نیازمند استفاده ثروت و امکانات مملکت برای جلوگیری از رخدادهای احتمالی‌ست؛ درست می‌گویند، آگاه کردن مردم برابر با پس زدن منافع آنان است. خلاصه درست می‌گویند و این‌ها، نیازمند فرهنگ برابری طلب و تقسیم ثروت‌ها و آن‌هم نه بین اقلیت و عده ای انگشت شمار، بلکه اکثریت آحاد جامعه است. پیداست که در قاموس نظام‌های سرمایه داری و از جمله، فرهنگ سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیست تا از جان و از خانه های مردم در برابر سیل و باران، باد و طوفان و آتش حفظ و حراست کنند. بیلان و کارکردهای چهار دهه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در خلاف ویرانه ساختن زندگی سازندگان اصلی و زیر ساخت‌های جامعه نیست، خلاف چاکرمنشان و چاپلوسان سرمایه، ایراد کار نه در بی‌کفایتی و یا در بی‌ایق‌مندی مثنی عمامه دار و بی عمامه، بلکه در سیستم و در مناسبات گندیده سرمایه داری‌ست.

واقعیت این است که در مخیله حاکمان و سرمایه داران، جایی برای بنیه سازی و سازندگی مملکت و همچنین سر و سامان دادن به زندگی میلیون‌ها انسان دردمند نیست. این جانیان برای تخریب آمده اند و آمده اند تا جان انسان‌ها را

بگیرند؛ آمده اند جنگل ها را نابود سازند؛ دانش آموزان را طعمه آتش کنند؛ قربانیان نظام را به جای دزدان و غارتگران اصلی و دانه درشت‌ها، به دار کشند و تیرباران کنند، چرا که زندگی سالم و بی دغدغه از آن مردم و محرومان نیست. پس و بنابه چنین ادله های روشنی، کار و بارشان کنترولی حوادثی همچون سیل و آتش نیست. بنیه های جامعه را سست نموده اند و ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مدارس در برابر کوچکترین حادثه، فاجعه به بار می‌آورند و در همان حال، نهادهای سازندگی و خاتم الانبیاء، مساجد و تکایای تحت هدایت آنان، در پی غارت و چپاول اهدائی از جانب مردم اند. در چنین دوران و وضعیت دردناکی ماشین و دستگاه‌های چپاول، دزدی و غارت‌شان فعال‌تر می‌شوند و با تمام توان می‌کوشند تا بر میزان جنایت‌کاری‌ها و چپاول‌گری‌های‌شان بیفزایند.

زلزله شهر بم در استان کرمان - در سال ۱۳۸۲ - فراموش نشده است؛ فراموش نشده است که چگونه نهادهای تحت امر حاکمیت، کمک‌های اهدائی مردم را به جیب زدند و زلزله بم، فرصتی بود تا از هر سو، بر غارت و بر دزدی‌های‌شان بیفزایند؛ فراموش نشده است که چگونه سردمداران نظام جمهوری اسلامی، راه هر گونه سازندگی و کمک‌رسانی و همپاری مردم به آسیب دیدگان را بسته اند و به دنباله ابعاد فاجعه و تخریب را در خفا نگه داشتند تا مبادا، خشم و نفرت مردم، نفس نکبتی‌شان را قطع کند. همه جا و همواره این‌گونه بوده است و بی دلیل هم نیست که «عبدالرضا رحمانی فضل‌ی» وزیر کشور و در چنین چهارچوبه ای و به منظور در خفا نگه داشتن ابعاد و نتایج مخرب سیل می‌گوید: "به مراجع قضائی و دادستان گفته‌ام با عواملی که با نشر خبر دروغ و کذب به دنبال بزرگمایی مشکلات مناطق سیل‌زده هستند، برخورد قانونی شود تا آرامش عمومی و روانی خسارت دیدگان تأمین شود".

آری، به طرق همیشگی و با پنهان نمودن ثمره کار و سیاست‌شان، می‌خواهند "آرامش عمومی" و "روانی" خسارت دیدگان را تأمین کنند! می‌خواهند ذهن و افکار عمومی را از بانیان چنین رخداد‌های ناگواری منحرف سازند، اما و در مقابل باید گفت که دلیل ناآرامی‌های مردم و لطمات وارده بر جان و مال‌شان، در وجود جرثومه های فاسدی همچون «رحمانی فضل‌ی»ست. مسؤول اصلی چنین وضعیت ناهنجاری، به گرده رژیم جمهوری اسلامی‌ست. جلوگیری از ابعاد حوادث خانه خراب‌کنی همچون سیل - و آن‌هم در زمانه رشد تکنیک و تکنولوژی -، نه تنها قابل پیش‌گیری بلکه امکان‌پذیر است. در حقیقت می‌شود و می‌توان دامنه آن را محدود کرد و مانع خسارهای مالی و جانی میلیون‌ها انسان دردمند شد. بیهوده نبوده - و نیست - که رئیس دولت‌شان و آن‌هم بعد از وقوع حادثه سیل و با قیافه حق به جانب گفته است: "شدت باران در زمان کوتاه چیزی است که هواشناسی باید بتواند پیش‌بینی کند. جای پیش‌بینی بلندمدت هم نمی‌خواهیم حداقل ۷۲ ساعت قبل اطلاعات دقیق بدهید کافی است".

رئیس محبوب نظام، به نهادها و سازمان‌های زیر دست خود، "ایراد" می‌گیرد! وزیر کشور هم شبکه های اجتماعی را مقصر دانسته و تهدید می‌کند که از فرصت‌های به وجود آمده، بهره برداری‌های سیاسی نکرده و خبر "دروغ و کذب" در میان مردم پخش نکنند! و بالاخره همه سران نظام ریاکارانه در صددند تا پا و گلیم خود را از چنین رخداد دردناک و عظیمی بیرون کشند و از بار "گناهان"شان بکاهند! جدا از اراجیف این و آن مسؤول، نهاد دولتی و حکومتی باید گفت که مسؤول و مسؤولین اصلی چنین اوضاعی، سران نظام و دم و دستگاه های ذریبط شان اند. نظام با تمامی نهادهایش مسؤول مصائب اجتماعی جامعه و از جمله فاجعه کنونی‌ست. همه این‌دست حوادث قابل پیش‌گیری و درمان است، می‌شود و می‌توان، دامنه تخریب و خسارت را به پائین‌ترین حد آن تنزل داد. چنین موضوعی ممکن و قابل علاج است. اما و انتخاب چنین منش و سیاستی، مستلزم توجه کافی به جان و مال مردم و همچنین نظر به بالندگی و سازندگی جامعه است. این نظام کم‌ترین توجهی به خواست‌های مردم و نیازمندی‌های جامعه ندارد و فکر و ذکرش، تعرض به معیشت مردم و به جیب زدن و به هدر دادن سرمایه های مملکت است. وظیفه اش جلوگیری از وقوع حوادثی همچون سیل

نیست. سیل آمد و آنوقت نظام به فکر لایروبی گرگان رود افتاده است! بعد از واقعه سیل در استان گلستان بود که وزیر کشور در جلسه با علماء و معتمدین اهل سنت و شیعه گلستان گفته است: "در حادثه اخیر اگر سد نرماب در شرق گلستان به تکمیل و بهره برداری می رسید، می توانست مانع به راه افتادن جریان آب در رودخانه ها و وقوع سیل شود". سیل آمد و همه را با خود بُرد، به این دلیل که سد نرماب در شرق گلستان مورد "لطف" و "مهربانی" سران نظام قرار نگرفت! دانش آموزان در مدارس طعمه حریق می شوند، به این علت که سیستم گرمایشی منطبق با استانداردهای دنیای انسانی و جامعه زیر سلطه سردمداران نظام جمهوری اسلامی نیست؛ خانه های مردم در اثر باد، با خاک یکسان می شود، به این دلیل که بنیه و زیر ساخت ها سست است. با این تفاسیل و آیا به غیر از این است که مسؤول چنین اوضاع دردناکی، کسانی جز سردمداران نظام و دیگر دار و دسته های شان نیستند؟ آیا به غیر از این است که با وجود چنین سیستم و مناسباتی و با حاکمیت نظام های وابسته ای همچون رژیم جمهوری اسلامی، در آینده جامعه از گزند چنین رخدادهای ناگواری مصون نخواهد ماند؟

بدون کمترین تردیدی باید گفت، که با وجود جانپانی همچون خامنه ای، روحانی، و دیگر نهادها و ارگان های غارتگری به مانند خاتم الانبیاء، سازندگی و غیره، جامعه همچنان شاهد صدمات و رویدادهای ناگواری بر جان و مال توده های ستمدیده و دردمندان خواهد بود. یگانه راه خلاصی از صدها مصیبت، مشکل و حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله، منوط به نابودی نظام جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت مدافع حقوق کارگران و زحمت کشان است. نظام چهل و چپاولگر، باید برود و آنوقت است که جامعه نفسی راحت خواهد کشید و زندگی میلیون ها انسان دردمند تأمین خواهد شد. در یک کلام بانی درد و مرض جامعه، نداری و همچنین دربیری مردم، بر گرده سردمداران و حاکمان ایران است. مردم چنین حقیقت و خواستی را با تمام وجود و بارها و بارها اعلام کرده اند و بدرست مسببین اصلی فاجعه کنونی و دیگر مشکلات جامعه را سران حکومت می دانند.

۲۸ فروردین [حمل] ۱۳۹۸

۲۸ مارچ ۲۰۱۹